

دو نیمه در بهشت

درس‌ها و لذت‌های مسابقه‌ای که کلاسیک می‌شود

امیر پوریا

۱ – برای هر کسی که به هر دلیلی، از جمله دلیل بسیار سست و غیرفوتبالی «من که بعد از حذف تیم ملی، دیگه کاری به کار جام جهانی ندارم»، دیدن و بلعیدن لحظه‌لحظه بازی بزرگ آلمان – آرژانتین را از دست داد، حساسی متاسفم. چه در دقائق مختلف بازی که تیم میزبان با آرایشی موزون و با خیزیدن آیینی اش در همه گوشه‌های زمین آرژانتین، یکی از «باز»ترین بازی‌های ممکن را در مقابل تیمی به آن سفت و سختی و با آن دفاع استادانه چسبیده به توپ، به نمایش می‌گذاشت و چه در ضربات پنالتی که برای پایان میچ اندازی پایاپای این دو تیم ماهوش و خلایق، واقعاً حیف و در حد شیر یا خط، کور بود، این مسابقه وجد و هیجانی بهمان داد که شاید حتی در فینال هم تکرار نشود. این درست است که آرژانتین هم در عصبیت‌های دقائق اولیه بازی، هم در «زیر توپ زدن»های به شدت حرفه‌ای مقطع بین دو گل مسابقه و هم در آن روش‌های تمارض و اتلاف وقت که ما ایرانی‌ها بهش «بحرین بازی» می‌گوییم، باز شد. همان آرژانتین تخریبی قبل از اسمال که منفور فیفا بود؛ ولی هر دو تیم در اجرای «فیلمنامه» دقیق دو مردOman بزرگ هدایتگروشان، کلیزنسن و پکرم، چنان میلیمتری عمل می‌کردند که عیلاقه خیلی از ما به پردرژمن‌ها فقط می‌توانست نتیجه ترجیح فوتبال اروپا یا مثلاً نوستالژی کلیزنمن باشد. به گل‌های دو تیم نگاه کنید. آلیا با جهشی به آن بلندی، از مدافعان مزاحم آلمان رهان شد، اما در لحظه زدن ضربه، سرش را با خم کردن کمر، آن قدر پایین آورد که گشتم حتماً ضرب توپش کم می‌شود و نرم، در دستان پنس لمن آرام می‌گیرد. در حالی که توپش هم ضرب لازم را داشت و هم به جای مناسبی زده شد و این که همزمان با گل، پاهای خودش هم از آن طرف بالا رفت و آلیا با سر و سینه به زمین آمد، نشان می‌داد که چه پیچ و تاب غریبی به اندامش داده. ژورف ونگلوش که از سوی فیفا کارشناس ویژه این رقابت بود، جمله درخشانی نوشته: «شخصاً برای آلیا ناراحت‌م، چون او که پنالتی‌اش را خراب کرد، سزوار این بود که یکی از علل باخت آرژانتین به حساب بیاید. » اگر دلیل این حس ونگلوش فقط گل آلیا هم باشد، حرفش درست است. از آن طرف، وقتی آرژانتینی‌ها مدام توی پای هر آلمانی صاحب توپ می‌رفتند، ژرمن‌ها نمی‌توانستند پاس نهایی را از روی زمین بدهند و برای همین، در حرکتی که با ساتنر بالاک شروع شد و با پاس «هوای» تیم‌برفوسکی همراه بود، کلوزه را در موقعیت گل قرار دادند. این تنها بازتاب تصمیم دقیق تیم برای دادن پاس نهایی با سر بود. درست مشابه همین گل را با دو ضربه سر پایپ، آلمان‌ها در فینال ۱۹۸۶ به همین آرژانتین زدن و بازی را موقتاً مساوی کردند. در برابر تیمی که روی یار دفاع می‌کند و سرع دفاع منطقه‌ای نمی‌رود، این یکی از معدود شیوه‌های کارآمد است.

وقتی بازی تمام شد و دیدم که بالاک با آن درد و لنگ

زدن، هنوز چه‌دلی دارد که پنالتی هوایی و محکم و ریسکی

می‌زند و بقیه یاران هر دو تیم، هنوز چه انرژی برای نبرد

فیزیکی تا آخرین دقائق دولت دوساعت‌شان دارند، از خودم

و بقیه همراهان اصیل آن عصرجمعه جاندار پرسیدم واقعاً

تیم ملی ما با حتی بهترین باشگاه‌هایمان، در طول چند

مسابقه به اندازه نصف این بازی، توان جسمانی می‌گذارند؟

سه بازی؟ پنج بازی؟ بیشتر؟ اصلاً ستوالم به شوخی

می‌ماند؟!

۲ – انگار وقتی خود مسابقه در اوج باشد، بقیه اجزا هم همپای آن رشد می‌کنند. تصویربرداری و کارگردانی تلویزیونی بازی آلمان – آرژانتین را دیدید؟ به نظرتان بهترین کارگردانی بازی‌ها از ابتدای جام تا این جاتود؟ آن «توشت» اسطوره‌ای دو مربی را دیدید که کلیزنسنمن فلو در پس‌زمینه‌اش، داشت به پکرمن فوکوس در پیش‌زمینه نگاه می‌کرد و او ساکت بود و مرد مسن‌تر با دست و سر و تقلا حرف می‌زد؟ آن نماهای «اورشولدر» پسن لمن و الیور کان را دیدید که درست قبل از شروع پنالتی‌ها، بالاخره و بر پایه احساسات ملی، آشتی کردند و دو دوربین مثل یک دکوپاژ کلاسیک «نما نمای متقابل»، از دو زاویه نشان‌شان داد؟

می‌دانید اگر این تدوین / سوپرنیچینگ درخشان و احساسی بین این دو نما نبود، درست‌حسن آن لحظه بعد از مهار پنالتی آخر را نمی‌گرفتم که لمن از همه گذشت تا به کان برسد و او «بزق قدش» بگوید؟ مکث دوربین و پرهیز از کات در نمای طولانی تعویض ریکلمه یادتان هست؟ خواس‌تان بود که نگاه خونسرد و حتی متعجب او به تماشاگران معترض و سوت‌زنان آلمانی، با کلوزآپ طولانی‌اش بیشتر آدم را از این تأخیرها و آرام‌آرام قدم زدنش عصبی می‌کرد؟

و حالا فاز دیگری از ستوال‌ها: تلویزیون‌ما چقدر و چطور قدر این لحظه‌ها و تصویرها را می‌دانست؟ فکر می‌کنید هیچ نقش دیگری در دنیا هست که به قول دوستم حسین معززی‌نیا، این همه منت خرید امتیاز پخش بازی‌ها را به سر مردمش بگذارد و بعد، چند دقیقه اول «کلاسیک شدنی‌ترین» بازی جام را حرام‌تیزرهایش کند؟ هیچ تلویزیون دولتی‌ای این همه میل و اشتیاق تجارت دارد؟ هیچ شبکه‌ای بوده که به دلیل محافظه‌کاری و افراط‌گری (و نه «اربابیت» شرایط) که ضروری و گریزناپذیر است، آن دقائق طلای مسازا پای بازیکنان را در فاصله میان وقت اضافی تا پنالتی‌ها، نشان ندهد؟ هیچ تبلیغاتچی‌کننده‌هی پیدا می‌شود که نفهمد مردم در آن دقیقه‌ها حتی حاضر نیستند تصویر و صدای آشنای سواراستاری مثل هدیه‌تهناری را روی صفحه تلویزیون و به جای چمن سبز استادیوم برین تاب بیاورند؛ چه رسد به چهره و لبخند حرص درآرر آن کت و شلواری نصیحت‌گر تاناشا که دو بار و به فاصله چندلحظه، روی صفحه تلویزیون که نه، روی رگ‌ها و عصب‌های ما می‌آید و به همه همان ۱۰ ثانیه و ۱۰ اریتمیازم می‌دهد که بریم لامب‌های اضافی‌ان را خاموش کنیم؟! چه میزان هوش و شعور لازم‌است تا دم‌بفهمد که این کار به ضدتبلیغ بدل می‌شود و بعید نیست فوتبال‌های هیجانباز زده و حرص‌خوره را به روشن کردن عمده‌ی همه چراغ‌ها و لوازم برق‌ی خانه وارد؟! چرا دوستم سینمایی فوتبال‌فولم

مخاطب شناسی مثل احمد امینی، سعی نمی‌کند چیزی پخش تیزر سرایش را که دیگر «گرفته» و بیننده‌های خودش را دارد، آن هم درست در فاصله بازی و پنالتی‌ها، بگیرد و نگذارد «اه» گفتن و ناآرامی مردم را «اولین شب آرامش» در پی آورد؟ یا اختیار این تصمیم‌ها در این تلویزیون، هیچ با کارگردان و ساز با هم‌ها اصلاً ستوالم به شوخی می‌ماند؟!

سرنجام جام جهانی هم می‌تواند این ایتالیا را تحسین کند که با گل‌های بیشتری پیش می‌رود و خود را به نیمه‌نهایی می‌رساند. اوکراین با نتیجه ۳-۰ که روی

سینه‌اش نوشته می‌شود بدون اینکه گریه کند به خانه‌اش برمی‌گردد و سفر ایتالیای طولانی‌تر می‌شود. این سزاداری‌های تیمی را نشان می‌دهد که بعد از گذراندن دوره پرفشار انتقاد و جر و بحث ذهنیت منطقی خود را پیدا می‌کند و با تیمی که توازن کاملی دارد بازی را شروع می‌کند و به کمک ستاره‌اش، فرانچسکو توتی پیروز می‌شود. با چنین بازیکنی ایتالیا امیدوار است تا آینده‌شان تبدیل به رمان جذابی شود که همه از خواندن آن لذت ببرند. توتی وقتی خود را نشان داد که روی گل دوم و سرنوشت‌ساز ایتالیا همه کاره بود و ساتنر او برای تونی کار اوکراین را تمام کرد در حالی که کمتر از یک دقیقه قبل از آن می‌توانست همه چیز پیچیده شود و اوکراین به گل برسد اما دفاع سرسخت و بدون اشتباه تیم لیبی هیچ شانس را برای حریف باقی نگذاشت. آنها برنده بازی بودند و حالا باید در نیمه‌نهایی به مصاف میزبان بروند. آلمان- ایتالیا بعد از این پیروزی می‌تواند جالب باشد، آنها ستاره جدیدی هم دارند که نوید یک پائو لو روسی جدید را می‌دهد: لوکا تونی با دو گل زده در یک بازی بعد از ناکامی در چهار بازی گذشته. همه چیز مثل داستان روسی ادامه دارد. این نشانه خوبی برای تیم لیبی است که بتواند حتی به فینال هم برسد. «خواب دیده بودم

که گل می‌زنم. اما اینجا توانستم دو گل بزنم. این شب را هیچ‌گاه فراموش نمی‌کنم. «مهاجم فیورنتینا و تیم ملی ایتالیا لوکا تونی می‌گوید: «این گل‌ها را به تمام کسانی تقدیم می‌کنم که نزدیک من بودند، باید صادقانه بگویم. در این مدت انتقادات زیادی از من شد که مهاجم تنبل، کند و سنگینی هستم. این حرف‌ها خیلی مرا آذیت می‌کرد. حالا خوشحال هستم. چون این روزها به سختی کار کردم و به خواسته‌ام رسیدم. «مدافعان اوکراین سعی کردند هیچ فرصتی را برای او فراهم نکنند. تمام فضا‌ها را بستند و تونی در تله آنها گرفتار شد اما فرصت طلبی او در نهایت کار خود را انجام داد. او می‌گوید: «بله آنها واقعاً شفره و محکم بازی می‌کردند و من کار زیادی انجام ندادم. بله من هم این موضوع را قبول دارم اما از این نتیجه راضی هستم. ما در نیمه‌نهایی هستیم و باید با آلمان بازی کنیم. بازی مقابل این تیم خیلی بهتر از رویارویی با آرژانتین است. این نشانه سرنوشت خوب ماست. در این جام ما شانس‌های خوبی داشتیم که با اوکراین روبه‌رو شدیم و حالا هم آلمان. سرنوشت ما خوب نوشته شده است. تیم ما یک گروه خوب و جنگنده است و برای تیم‌های حریف هیچ‌گاه آسان نخواهیم بود. «پائولو روسی هم به گلزن جدید ایتالیا اعتقاد داشته است و شرط بسته بود که دیر یا زود او گل می‌زند. «به من هم این حرف‌ها را یادآوری کردند. خیلی دوست دارم که بتوانم مثل روسی بازی کنم و گل بزنم. شب‌هایی بود که واقعاً بد می‌گذشت اما امروز روز خوبی است.

مصاف ایتالیا و آلمان در نیمه نهایی

آزوری در پی تحقق آرزوهایش

محسن ابراهیمی



دوست دارم مثل روسی تا فینال پیش بروم و گل بزنم. آرزو‌های ما باید در آلمان برآورده شود. «همه منتظر هستند تا ایتالیا به مصاف آلمان برود و تونی برای رقابت با کلوزه

که پنج گله است موتورش را روشن کند. این ایتالیا می‌تواند حتی آلمان دفاعی را شکست دهد. روزهای خوش ایتالیا از راه

رسیده و نمی‌خواهند که آن را خراب کنند. این شادی‌ای می‌توان از صورت مارچلو لیبی خوانند

که با روزهای گذشته خیلی فرق کرده و عصر‌های جهنمی جام جهانی را فراموش کرده

است. ایتالیایی‌ها می‌گویند لیبی جدید را پیدا کرده‌اند که خوشحال است، می‌خندد و دوست

دارد از شادی‌اش حرف بزند: «از نتیجه کاملاً راضی هستیم. اما نباید تبدیل به هدف دست

می‌گویند لیبی جدید را پیدا کرده‌اند که خوشحال است، می‌خندد و دوست دارد از شادی‌اش حرف بزند: «از نتیجه کاملاً

راضی هستیم. اما نباید تبدیل به هدف دست یافته و تمام شده تلقی شود. ما به حداکثر

آمادگی خودمان رسیده‌ایم اما به بزرگ‌ترین هدف نرسیده‌ایم. حالا می‌توانیم همه کار بکنیم و باید

با تمام قدرت و قلبمان برای رسیدن به فینال تلاش کنیم. «

دوست دارم مثل روسی تا فینال پیش بروم و گل بزنم. آرزو‌های ما باید در آلمان برآورده شود. «همه منتظر هستند تا ایتالیا به مصاف آلمان برود و تونی برای رقابت با کلوزه که پنج گله است موتورش را روشن کند. این ایتالیا می‌تواند حتی آلمان دفاعی را هم شکست دهد. روزهای خوش ایتالیا از راه رسیده و نمی‌خواهند که آن را خراب کنند. این شادی‌ای می‌توان از صورت مارچلو لیبی خوانند که با روزهای گذشته خیلی فرق کرده و عصر‌های جهنمی جام جهانی را فراموش کرده است. ایتالیایی‌ها می‌گویند لیبی جدید را پیدا کرده‌اند که خوشحال است، می‌خندد و دوست دارد از شادی‌اش حرف بزند: «از نتیجه کاملاً راضی هستیم. اما نباید تبدیل به هدف دست می‌گویند لیبی جدید را پیدا کرده‌اند که خوشحال است، می‌خندد و دوست دارد از شادی‌اش حرف بزند: «از نتیجه کاملاً راضی هستیم. اما نباید تبدیل به هدف دست یافته و تمام شده تلقی شود. ما به حداکثر

آمادگی خودمان رسیده‌ایم اما به بزرگ‌ترین هدف نرسیده‌ایم. حالا می‌توانیم همه کار بکنیم و باید با تمام قدرت و قلبمان برای رسیدن به فینال تلاش کنیم. ا

ویژه جام جهانی ۲۰۰۶

کنم. این را می‌دانم که هیچ ترکیبی کامل نیست و اشکالات خودش را دارد اما الان وقت آنالیز کردن نیست. فقط این را

می‌گویم که بعضی از ایده‌هایمان انجام نشد و تاکتیک ما خوب نبود. امشب از این

پیروزی لذت می‌بریم. فردا برای بازی‌بینی فرصت خوبی خواهد بود. «بعد از بازی

همه خوشحال هستند و رویای بزرگ آنها برای رسیدن دوباره به فینال در یک قدمی

است و بعد از گذر از آلمان همه چیز رنگ لاچوردی به خود می‌گیرد. به نظر می‌رسد

جنگ از پیش تعیین شده خیلی زود تمام شد و همه برای موفقیت ایتالیا تلاش

می‌کنند. لیبی چند روز پیش به مطبوعات ایتالیایی گفته بود که هیچ حرفی با آنها ندارد

و ترجیح می‌دهد تا روزنامه‌های خارجی را ورق بزند. اما در کنفرانس مطبوعاتی او به

تعداد سئوالات وجود چنین تیمی، فوتبال‌دوستان حتی امکان آن وجود داشت تا در مرحله اول

هم حذف شود و انتقادات لیبی را کلافه کرده بودند امروز تبدیل به حمایت‌هایی

شده است که در طرف مقابل لیبی هم ایده‌هایش را تصحیح کرده و آن را قبل از

همه با خبرنگاران خودی در میان می‌گذارد و جواب آنها را می‌دهد. او اعتقاد دارد که

یک تیم بزرگ را در میدان دیده است و به ادامه راه امیدوار است: «برای این گروه

غیرممکن وجود ندارد. باید سعی خودمان را بکنیم چون هر چیزی ممکن است اتفاق

ببفتند. این یک گروه استثنایی است خصوصاً اینکه چند بازیکن ما هم پایشان

به گل زدن باز شده است. من هیچ حرفی در مورد انتقادات مطرح شده ندارم و اگر حرفی زدم احساس کردم که بیش از

حد اغراق شده بود. حتی اگر هم اشتباهی صورت می‌گیرد باز هم این قلب خود را کنار نمی‌گذارند و صادقانه بازی

می‌کنند. «بیشترین خوشحالی لیبی در مورد لوکا تونی این است که سرنجام گل زد: «من مطمئن بودم که گل می‌زنم.

چند دقیقه قبل از بازی هم به خودش گفتم: ببین لوکا اگر فقط یک گل بزنی دومی هم آسان خواهد بود. برای من

غیرممکن بود که او را بدون گل از زمین بیرون بیاورم. او طی سه فصل ۸۰ گل زده و توانایی بزرگی دارد که باید فقط

فرصت بیشتری به او بدهیم. «ایتالیا از رویارویی با آلمان خاطرات خوشی هم دارد: نیمه‌نهایی جام ۷۰ و فینال ۸۲.

«همه می‌گویند که آنها از آن خاطرات گذشته می‌ترسند. اما من چنین نظری ندارم. آنها تیم جوانی دارند که فقط در شرایط روانی سختی قرار گرفته‌اند. مثل آنچه که برای ما

و این تیم را بعد از جام جهانی هم هدایت کند. خوشحال

هستم که ایتالیا صعود کرده و به نیمه‌نهایی رسیده است. من قبل هم گفته بودم که ایتالیا

مدعی بزرگ این جام است. «روسی وقتی در رختکن لیبی را می‌بیند به او تبریک می‌گوید

و از او می‌خواهد که در تیم ملی بماند. مارچلو لیبی می‌خندد ولی جوابی نمی‌دهد. لیبی می‌گوید: «در این

شب زیبا دوست ندارم که درباره دشواری‌های بعدی فکر که به فینال برود و روسی جدید متولد شود.

یکشنبه ۱۱ تیر ۱۳۸۵

حاشیه

شنش پیشنهاد برای بهبود کیفیت جام جهانی

CHN: در حالی که اکثر خبرنگاران و ورزشی‌نویسان جهان سرگرم پیش بینی قهرمان جام هجدهم هستند، اندی گولدربرگ، ورزشی‌نویس مشهور خبرگزاری دولتی آلمان، از وکشت به نحو بهتری استفاده کرده و شش پیشنهاد جالب و قابل تعمق برای بهبود کیفیت بزرگترین رویداد ورزشی جهان ارائه کرده است. پیشنهادهای گولدربرگ از این قرار هستند:

۱- تیم سازمان ملل متحد: به کجای کار مسابقات جام جهانی برمی‌خورد. اگر یک تیم از ۳۲ تیم شرکت‌کننده در آن تیم سازمان ملل متحد باشد؟ این تیم می‌تواند پرچم آبی سازمان ملل متحد را در استادیوم‌های محل برگزاری مسابقات به اهتزاز درآورد و به تبلیغ صلح و مدارا میان مردم جهان بپردازد. این تیم باید زیر نظر فردی که از سوی دبیر کل سازمان ملل متحد منصوب می‌شود اداره شود و بازیکنان آن باید از میان بهترین بازیکنانی انتخاب شوند که تیم ملی فوتبال کشورشان به جام جهانی راه نیافته است.

در صورت وجود چنین تیمی، فوتبال‌دوستان می‌توانستند شاهد حضور ستارگانی چون رایان گیگز ولزی و ساموئل آوتوئی کامرونی در جام جهانی باشند. همچنین در صورت حضور تیم فوتبال سازمان ملل متحد در جام جهانی، آن دسته از طرفدارانی که تیم محبوب‌شان از جام حذف شده یا اصلاً به مرحله نهایی راه نیافته، می‌توانستند به جای این که مثل همیشه به طرفداری از برزیل بپردازند، از تیم سازمان ملل حمایت کنند. علاوه بر این، تشکیل چنین تیمی به طرز قابل ملاحظه‌ای موجب تقویت جایگاه سازمان ملل به عنوان نهادی برای ایجاد صلح و اتحاد در جهان خواهد شد.

۲- جبران امتیاز میزبانی: تغییر دیگری که می‌تواند به بهبود وضعیت مسابقات جام جهانی کمک کند، جبران امتیازهای فراوانی است که در وضعیت فعلی کشور میزبان از آنها برخوردار است و با وضعیت فعلی، حتی نیازی به شرکت در بازی‌های مقدماتی هم ندارد.

برای جبران این تبعیض‌ها، به جای این که کشور میزبان را به سرگروه یکی از گروه‌های هشت‌گانه تبدیل کنیم، باید آنها را با مدافع عنوان قهرمانی هم‌گروه کنیم و بازی افتتاحیه جام جهانی هم همیشه بین کشور میزبان و مدافع عنوان قهرمانی برگزار شود.

برای این ترتیب تیم کشور میزبان هم مثل بقیه تیم‌ها برای صعود به مرحله بعد، راه نسبتاً دشواری را در پیش خواهد داشت. از آن جایی که از هر گروه دو تیم صعود می‌کنند، هم‌گروهی با مدافع عنوان قهرمانی چندان کابوس غیرقابل‌هضمی هم نیست، اما در عوض این کار باعث می‌شود کشورهایی که قدرت درجه اول فوتبال محسوب نمی‌شوند، پیش از نازمزدی برای برگزاری این مسابقات خوب فکر کنند.

مثلاً اگر اسمان چنین قانونی به اجرا درمی‌آید، در بازی افتتاحیه شاهد بازی بی‌نظیری میان آلمان و برزیل می‌بودیم و آلمان هم مجبور می‌شد برای صعود به دور بعد کمی زحمت بکشد و تنها با حریف‌های آسانی مثل لهستان و کاستاریکا و اکوادور روبه‌رو نشود.

۳- یار یازدهم به چه درد می‌خورد؟ دیگر کم‌کم وقت آن شده تا بعضی قوانین ابتدایی فوتبال را تغییر دهیم. یکی از مهم‌ترین این تغییرات، کاهش تعداد بازیکنان از ۱۱ نفر به ۱۰ نفر خواهد بود. بازیکنان امروز از اسلاف‌شان قدرت بدنی بسیار بالاتری دارند؛ همچنین امروز تاکتیک‌های پیچیده‌ای وجود دارد که مربیان را قادر می‌سازد تا بازی را ببینند و حریف خلایق را پشت دیواری گوشتی از بازیکنان نگه دارند و تمام فضا‌های باز زمین را محدود کنند. کاهش تعداد بازیکنان جا را برای ارائه فوتبالی زیبا و سرگرم‌کننده باز می‌کند. به همین خاطر است که همیشه وقتی داور یکی، دو کارت قرمز نشان می‌دهد، بازی زیباتر می‌شود.

۴- حذف ضربات پنالتی: احتمالاً همه موافق هستند که ضربات پنالتی هم دیگر به درد فوتبال نمی‌خورند. البته مسلماً باید شیوه‌ای برای تعیین وضعیت بازی‌هایی که با نتیجه مساوی به پایان می‌رسد وجود داشته باشد، اما ضربات پنالتی هیچ ربطی به توانایی‌ها و مهارت‌های یک تیم ندارد. به هر حال راه‌های زیادی برای تعیین وضعیت این گونه بازی‌ها می‌توان پیدا کرد، که مثلاً یک نمونه‌اش این است که بعد از پایان ۹۰ دقیقه، دو تیم را مجبور کنیم که در وقت اضافه به بعد از گذشت هر پنج دقیقه، دو نفر از بازیکنان‌شان را از زمین بیرون بیاورند. به این ترتیب به شما قول می‌دهم قبل از این که دقائق وقت اضافه به ۳۰ برسد، برنده تعیین شده است.

۵- عمل کردن فیفا به توصیه‌های خودش: دیگر وقت آن رسیده که فیفا به توصیه‌های خودش عمل کند. قدراسیون بین‌المللی فوتبال هر چهار سال یک بار میلیاردها دلار از اسپانسرهای چون مک‌دونالد، بادوایز و کوکاکولا پول می‌گیرد و محصولات تبلیغ نامیدکننده‌ترین بازیکن سال هم اهدا کند. علاوه بر می‌کند. بهتر است فیفا کمی کمتر به پول و کمی بیشتر به اهداشش فکر کند.

۶- جوایز جدید: فیفا باید علاوه بر جوایز چون کفش طلا برای بهترین گلزن و توپ طلا برای بهترین بازیکن جام جهانی، جوایزی چون توپ چوپین به نامیدکننده‌ترین بازیکن سال هم اهدا کند. علاوه بر این، فیفا باید روش بهتری برای تعیین تیم صعودکننده از مرحله گروهی هنگامی که دو تیم در همه چیز با هم مساوی هستند، پیدا کند. در حال حاضر فیفا به شیوه رایجانه شیر یا خط این کار را می‌کند، اما در آینده باید راه‌های منصفانه‌تری را در پیش بگیرد؛ مثلاً این که از هر تیم بخوادد مقاله‌ای ۵۰۰کلمه‌ای به موضوع «چرا ما لیاقت صعود به دور بعد را داریم؟» بنویسد.